

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۶۰

آزمون تقویت هوش

ادراک • منطق • حساب • زبان

کتابی جامع برای تقویت I.Q
همراه با برنامه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت

جلیس آزوپاردی
ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد



مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر



مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه‌ی اول غربی
تلفن: ۰۶۶۴۱۰۰۴۱ • تلفکس: ۰۶۶۴۶۸۲۶۳ • صندوق پستی: ۱۶۱۶-۱۳۱۴۵
www.zekrpublishery.com
Email: info@zekrpublishery.com
Email: zekr_publishery@yahoo.com

۳۶۰ آزمون تقویت هوش

جلیس آزوپاردی
ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد
ویراستار: پریسا همایون‌روز
زیر نظر شورای بررسی
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سیدمهدی مظلوم)
چاپ و صحافی: قدیانی
چاپ اول، ۱۳۹۰ • ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۳۶۶-۴
کلیه‌ی حقوق محفوظ است.

سرشناسه: آزوپاردی، گیلِس. Azzopardi, Gilles

عنوان و نام پدیدآور: ۳۶۰ آزمون تقویت هوش (ادارک - منطق - حساب - زبان)
کتابی جامع برای تقویت IQ (همراه با برنامه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت)
جلیس آزوپاردی؛ ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: ذکر. مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص. مصور.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۳۶۶-۴ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: A Complete for Developing your IQ

عنوان گسترده: سیصد و شصت آزمون تقویت هوش ... / موضوع: آزمون‌های هوش

شناسه افزود: ثابت‌نژاد، جواد، ۱۳۴۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۸۹ س ۴۴ / BF ۴۳۱

رده‌بندی دیویی: ۱۵۳/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۵۶۳۰۳

فهرست مطالب

۵	رشد ذهن
۱۷	خودآزمایی
۳۶	آزمون ۱
۴۹	آزمون ۲
۶۱	آزمون ۳
۷۴	آزمون ۴
۱۰۹	برنامه‌ی کوتاه‌مدت
۱۱۱	روز اول: ادراک
۱۲۱	روز دوم: زبان
۱۲۵	روز سوم: منطق
۱۳۸	روز چهارم: حساب
۱۴۵	روز پنجم: خلاصه
۱۶۳	برنامه‌ی بلندمدت
۱۶۳	هفته‌ی اول
۱۹۹	هفته‌ی دوم
۲۳۳	هفته‌ی سوم
۲۶۹	هفته‌ی چهارم
۳۰۶	سطح موفقیت شما



کتابی جامع برای تقویت هوش

بیشتر مردم فقط از ۱۰ درصد مغزشان استفاده می‌کنند. آزمون‌های هوش نقش بسیار مهمی در افزایش توان حرفه‌ای انسان دارند.

چنانچه برای امتحان مهمی آماده می‌شوید یا در صدد برآمده‌اید تا از ظرفیت مغزی خود به نحو احسن استفاده کنید. می‌توانید از آزمون‌های تقویت هوش در این کتاب که مبتنی بر چهار مقوله‌ی هوشی زیر است بهره‌مند شوید:

- ادراک (درک فضایی)
- منطق (استدلال و منطق)
- حساب (محاسبات اعداد)
- زبان (تسلط زبانی)

سؤال‌های این کتاب صرف‌نظر از میزان تحصیلات و سایر زمینه‌ها به شما کمک می‌کند تا ضریب هوشی و توانایی کاری خود را افزایش دهید.

رشد ذهن

هوش پدیده‌ای بسیار مهم است. مزیت، توانایی و کیفیت آن بر جنبه‌های دیگرش برتری دارد. هوش مانند زیبایی و قدرت، هدیه‌ای از جانب خداوند و موهبتی حسادت برانگیز است. همه‌ی ما در مواقعی به هوش خود شک کرده‌ایم و مایلیم تا به فراست خود اطمینان بیشتری پیدا کنیم.

آیا انسان می‌تواند باهوش‌تر شود؟

مردم در سراسر جهان هزاران مرتبه سؤال فوق را پرسیده‌اند؛ سؤالی که همواره چند پاسخ یکسان داشته است. برخی عقیده دارند که منشأ هوش، خدا یا طبیعت است و از زمان تولد با ما همراه است. آن‌ها معتقدند که هوش اساساً به وراثت مربوط می‌شود و از بنیاد غیر قابل تغییر است. در حالی که بیشتر مردم بر این باورند که انسان توانایی رشد دارد و با تلاش پیگیر می‌تواند هوش خود را تقویت نماید.

سرانجام، گروهی از مردم گمان می‌کنند که می‌توان با تجربه‌ی زندگی هوش را آموخت و هوش از بنیاد به زمینه‌ی اجتماعی شخص بستگی دارد. علی‌رغم وجود نظریات مختلف، اکثر مردم فکر می‌کنند که هر

انسان در زمان تولد بهره‌ای از هوش دارد.

آیا هوش موروثی است؟

تفاوت‌هایی که بین کارکرد عقلی افراد بشر می‌بینیم حاکی از آن است که هوش، مافوق همه‌ی چیزهایی است که به ارث می‌رسد. اختلاف‌های یاد شده را نمی‌توان صرفاً با تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ی اجتماعی فرد توجیه کرد. نظریه‌ای که هوش را اساساً موروثی می‌پندارد، دارای معانی ضمنی است و غالباً ماهیت نژادپرستانه دارد.

دبلیو. استاکلی، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک و مخترع ترانزیستور، در آخر دهه‌ی ۵۰ حتی پیشنهاد کرد که هم‌میهنان سیاه‌پوست آمریکایی او را از باروری بیندازند؛ چون در آزمون‌های هوش نتایج I.Q. ضعیفی دارند. در حالی که می‌دانیم نتایج آزمون‌های هوش قطعاً به شرایط اجتماعی-اقتصادی مربوط می‌شود. سطح دخالت و تأثیرات حرفه‌ای-اجتماعی، تحصیلات، موقعیت اقتصادی و غیره را نباید نادیده گرفت؛ لذا انسان راجع به مبنای تفکرات استاکلی به تردید می‌افتد. امروزه محققان آمریکایی یک‌بار دیگر ادعا می‌کنند که نقش تأثیرگذار وراثت بر هوش را به شکل علمی ثابت کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان مبنی بر تأیید این موضوع، در آخر سال ۱۹۸۸ در نشریه‌ی علمی بریتانیا به نام nature چاپ شد. نتایج تحقیق آنان به طور خلاصه نشان داد که درخشان فرزندان خوانده‌ها در آزمون I.Q. بیشتر به موفقیت‌های مادران اصلی آنان نزدیک بوده به سطح تفکر خانواده‌هایی که آنان را به فرزندان خواندگی پذیرفته بودند. اما با دانستن این که نظام فرزندان خواندگی در همه

جا بین خانواده‌ی اصلی و خانواده‌ی انتخابی تفاوت آشکاری قائل نمی‌شود، بازارگر می‌این آثار از رونق می‌افتد. نقش وراثت در هوش هنوز دقیقاً ارزیابی نشده است. با این تفصیل، متخصصان زیادی بر این باورند که جنبه‌های خاصی از توانایی عقلی موروثی است.

طبقه‌ی اجتماعی چه تأثیری دارد؟

به آسانی متوجه می‌شوید که معمولاً نتیجه‌ی تحصیلات کودکانی که از طبقه‌ی اجتماعی بالاتری‌اند، از آنانی که از طبقه‌ی محروم‌اند، بهتر است. مشاهدات و مطالعاتی که روی سطح عقلی دانش‌آموزان انجام شده است، نتیجه‌ی فوق را تأیید می‌کند. عملکرد کودکان در آزمون‌های I.Q. بی‌شک به جایگاه اجتماعی - حرفه‌ای پدران آنان مربوط می‌شود.

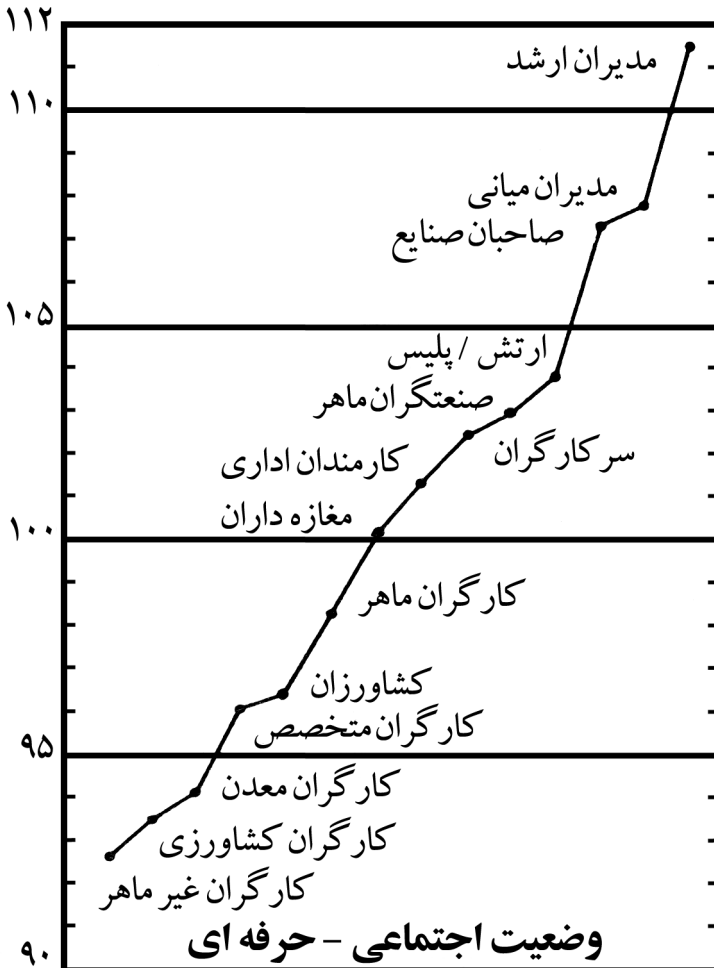
جدول صفحه‌ی بعد سطح متوسط I.Q. ۱۰۰ دانش‌آموز ۶-۱۴ ساله را در ارتباط با حرفه‌ی پدران‌شان نشان می‌دهد. مطالعات فوق توسط انستیتو مطالعات مردم‌شناسی ملی فرانسه انجام شده و در سال ۱۹۷۳ منتشر شده است.

اخیراً نتایج مطالعات مرکز ملی فرانسه در راستای تحقیقات علمی^۱ تأثیر همه‌جانبه‌ی زمینه‌ی اجتماعی بر رشد عقلی را تأیید کرده است. I.Q. کودکان قبل از سن شش ماهگی در خانواده‌های طبقه‌ی مرفه به طور متوسط ۱۲ امتیاز بالاتر از کودکانی است که از خانواده‌های طبقه‌ی کارگر انتخاب شده‌اند. نقش و تأثیرات زمینه‌ی اجتماعی برای مدت

۱. نتایج فوق در آگوست ۱۹۸۹ در نشریه‌ی nature بریتانیا منتشر شد.

طولانی به قوت خود باقی مانده است. اندازه گیری دقیق تأثیرات فوق دشوار به نظر می رسد؛ چون تمام ارزیابی های فوق صرفاً به ماهیت هوش مربوط می شود.

۱.۹.



هوش چیست؟

در گذشته هوش را پیوسته به گونه‌های متعددی مثل «توانایی طبیعی»، «قدرت آسمانی» و «کارکرد حیاتی» تعریف کرده‌اند. امروزه این‌گونه تعاریف ساده، کم و بیش منسوخ شده است و هوش را با نگرشی متفاوت تعریف می‌کنند - یعنی بیش از توصیف صرف، ارزش بازشناسی آن دارای اهمیت است. کارشناسان عموماً در حوزه‌های مختلف مرتبط با هوش مثل مردم‌شناسی، عصبی‌شناسی، روان‌شناسی و غیره روی دو موضوع اتفاق نظر دارند: اولین مورد، تفاوت بین وراثت ژنتیکی (ساختار ژنتیکی) و ویژگی‌های فردی (ساختار جسمانی) را به بحث می‌گذارد. دومین مورد، بین دو گونه‌ی عمده‌ی هوش تفاوت قائل می‌شود: انتزاعی - عینی، نظری - عملی، منطقی - تجربی، صوری - فنی و عقلی - احساسی.

هوش و وراثت ژنتیکی

تمایز دو مقوله‌ی هوش و ارتباط دادن یکی به وراثت و دیگری به تأثیر آموخته‌های فرد در دوران رشد او فواید متعددی در بر دارد. مثلاً، به این ترتیب از چالش بین وراثت و سوابق اجتماعی انسان اجتناب می‌شود. در نتیجه، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا همه‌ی انسان‌ها از نظر عقلی با هم برابرند یا این که گروهی از مردم از هوش برتری برخوردارند؟ اکنون چنین پرسشی محلی از اعراب ندارد. دیگر جای شگفتی نیست که اسکیموها از نظر هوش برتر از مردم پاپوای گینه‌ی نو یا

غربی‌ها باشند. مسئله‌ی اصلی در این حقیقت نهفته است که چرا انرژی ذهنی یکی از دو نفر برای حل مشکلات وراثتی در فرهنگی خاص سازگاری بیشتری دارد و چگونه آمادگی دارد تا به حل مشکلات خود بپردازد.

هوش و ویژگی‌های فردی

به چیزی هوش فردی می‌گویند که شخص خودش آن را فرا می‌گیرد. بدون تردید بستر فرهنگ‌های مختلف در رشد هوش شخص تأثیرهای مؤثری دارد. زن‌های یکسان وقتی از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسند و در معرض تأثیرات فرهنگی مختلف قرار می‌گیرند، افرادی با ویژگی‌های هوشی متفاوت خلق می‌کنند. اما تجربه‌اندوزی هم بر آموزش تأثیر دارد. آیا هوش به خودی خود تقویت می‌شود یا انسان فقط با آموزش، استفاده‌ی بهتر از آن را می‌آموزد، سؤال اشتباه دیگری است. امروزه همگان فکر می‌کنند که هوش را می‌توان تقویت کرد و به واقع هم همین‌طور است. پرورش هوش برای فرد به همان اندازه که سازمان‌ها به‌طور مداوم در معرض پیچیدگی فزاینده‌ی دنیای معاصرند، اجتناب‌ناپذیر است. سؤال اصلی چگونگی انجام آن است. بهترین روش پرورش هوش انسان چیست؟ هر روشی از ابتدا به نوع هوش مورد نظر یعنی هوش حسی - حرکتی یا عقلی، انتزاعی یا عینی بستگی دارد.

هوش عینی

هوش عینی بیش از آن‌که به موارد اکتسابی اطلاق شود، به عقاید فطری

و غریزی نسبت داده می‌شود. وجه تمایز انسان از حیوان این است که بشر می‌تواند ابزار بسازد؛ در حالی که حیوان فقط از چیزهایی که قبلاً ساخته شده است، استفاده می‌کند.

دوره‌ی اصلی رشد هوش عینی، دوران کودکی است. در طول این دوره است که فرد می‌آموزد تمام مسائلی را که واقعاً با محیط دارد حل کند. بنابراین، رشد ذهنی به زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی مربوط می‌شود. هرچه محیط غنی‌تر و موقعیت‌ها، تحریکات و تجربیات گوناگون‌تر باشد، رشد بهتر خواهد بود. زندگی خانوادگی یکنواخت، فقدان ارتباطات اجتماعی و انگیزش فرهنگی، رشد ضعیفی در پی دارد. در دوران نوجوانی و بزرگسالی هوش عینی رشد چندانی ندارد و مغز به آموختن فنون جدید و وفق دادن خود با موقعیت‌های جدید اعم از محیطی و مادی مشغول می‌شود.

هوش انتزاعی

در جامعه‌ی جدید، هوش انتزاعی جانشین هوش عینی شده است. شباهت انسان دوران جدید به انسان‌های ابتدایی مثل شباهت بزرگسالان به کودکان است. انسان همه‌ی فنون مبنایی را آموخته است و اکنون اختراعات بزرگ به قلمرو آگاهی و نظری مربوط می‌شود. امروزه واژه‌ی «هوش» بیش از احساس خوب و حقیقی، به ادراک و تفکر منطقی و حتی ارتباطات و خلاقیت اشاره دارد. هوش عینی شامل چندین توانایی اعم از تغییر روش حل مسئله و استفاده از تدابیر و وسایل ساختن ابزار است. از طرف دیگر، هرگونه مطالعه‌ی هوش انتزاعی ما را به سؤالی

درباره‌ی ماهیت هوش هدایت می‌کند. هوش چیست؟ هوش قدرتی ذهنی و منحصر به فرد است که کاربردهای متعددی دارد یا مجموعه‌ای از قوای ذهنی است که برای رسیدن به هدف واحدی مشارکت دارند؟ در حال حاضر تعداد طرفداران هر یک از نظریات برابرند. گروهی سعی دارد نظریه‌ای را اثبات کند که یکی از جنبه‌های هوش را شامل می‌شود و گروه دیگر هوش ترکیبی را مد نظر دارد.

هوش همگانی

انسان از یکی از جنبه‌های هوش اطلاع کامل دارد. هر کس در موقعی وجود آن را احساس می‌کند و ناشی از این حقیقت است که همه‌ی ما موجوداتی هوشیار و قادر به انتزاعیم. مطالعات بسیار درباره‌ی هوش نیز مؤید این احساس است. هر کس می‌تواند از میان انواع گوناگون آزمون‌هایی که برای ارزیابی هوش به کار می‌رود، یک عامل مشترک را مشاهده و اندازه‌گیری نماید. یک سری توانایی‌های خاص نباید اهمیت هوش را پایین آورد. هوش، مشخصه‌ای همیشگی است.

هوش ترکیبی

در پایان قرن نوزدهم، نه تنها هوش را استعدادی واحد تعریف می‌کردند، بلکه ترکیبی از قوای ذهنی مجزا هم قلمداد می‌شد. از آن زمان به بعد، هوش را به چند بخش تقسیم کردند و چندین استعداد مختلف توصیف شد. ادراک، حافظه، زبان و غیره عناصر اصلی و استنباط، استدلال، انتقاد و ابداع عناصری پیچیده قلمداد شدند.

کارشناسان می‌گویند که تعداد مؤلفه‌هایی که هوش را تشکیل می‌دهند از صفر تا ۱۲۰ و حتی بیشتر در تغییر است.

مؤلفه‌های هوش

اکثر متخصصین هفت مؤلفه‌ی اصلی را برای هوش شناسایی کرده‌اند که عبارت‌اند از:

- مؤلفه‌ی فضایی (درک و توانایی تشخیص اشکال دو و سه‌بعدی فضایی).
- درک مؤلفه (تشخیص هر شکلی درون یک شکل پیچیده).
- مؤلفه‌ی حافظه (به حافظه سپردن و جمع و جور کردن اشیا بدون هر گونه ارتباط منطقی).
- مؤلفه‌ی عددی (دستکاری کردن اعداد).
- مؤلفه‌ی کلامی (درک مطالب زبان).
- مؤلفه‌ی واژگانی (دستکاری کردن ترکیبات لغوی).
- مؤلفه‌ی منطقی (قیاس و استقراء).

کارکرد ذهن

هر دو فرض ساده یا مرکب هوش را می‌توان بر حسب کارکرد ذهن تبیین و توصیف کرد. از دهه‌ی ۵۰ به بعد، کارکرد ذهن غالباً با کارکرد کامپیوتر - البته به مراتب برتر - مقایسه شده است. باید گفت که مغز و ماشین وجوه اشتراک واقعی‌ای دارند که عبارت‌اند از:

- تفاوت قائل شدن بین دو نماد ساده و مبسوط (تصاویر، مفاهیم و مدل‌ها).
 - پیوند ایجاد کردن براساس قواعد منطق، حساب برای محاسبات و معانی برای زبان.
 - استفاده‌ی متوالی از شیوه‌های ابتدایی و انجام دادن وظایف پیچیده با سرعت بسیار زیاد.
 - با موفقیت انجام دادن وظایف مختلف، تنظیم و تجهیز به منابع و روش‌ها برای رسیدن به اهداف متفاوت.
- شباهت در این جا به پایان می‌رسد و این را مدیون سرشت و توانایی‌های مغز بشریم، که او را بر پیشرفته‌ترین کامپیوترها برتری می‌دهد.

کارکرد مغز

به واقع، ماشین مغز وجه شباهتی با کامپیوتر ندارد. مغز از حدود ۱۰۰ هزار میلیون نورون (سلول‌های عصبی) تشکیل شده است که توسط حدود ۱۰۰ میلیارد سیناپس (اتصالات نورون) با یکدیگر در ارتباط‌اند. ماشین مغز ظرفیت انتقال تعداد بیشماری پیام را دارد که کامپیوتر هرگز با آن برابری نمی‌کند. انرژی الکترو - شیمیایی (الکتریکی در نورون‌ها، شیمیایی در سیناپس‌ها) در مغز جریان دارد و حقیقتاً در گردش دائمی است.

آیا هوش برنامه‌ریزی شده است؟

مدت‌های مدیدی، مقایسه‌ی مغز با کامپیوتر ما را به سوی این اندیشه سوق می‌داد که هوش، برنامه‌ریزی شده است. مدارهای عصبی از پیش برنامه‌ریزی شده و کلاً یک بار به روشی خاص سازماندهی شده‌اند. مغز، مانند کامپیوتر برنامه‌ریزی شده پاسخ می‌دهد. در نتیجه، دنیای بیرون از مغز باید سر منشأ اطلاعات باشد.

در سال ۱۹۷۸، شخصی آمریکایی به نام جرالدام. ادلمن (برنده‌ی جایزه‌ی نوبل پزشکی در سال ۱۹۷۲) برای حمایت از یک نظریه دلایلی ارائه کرد که باعث شد در دنیای تحقیقات انقلابی به پا شود. نظریه‌ی فوق به‌طور خلاصه می‌گوید: «اطلاعات» از جهان پیرامون منشأ نمی‌گیرد، بلکه در خود مغز خلق می‌شود. در واقع، ارتباطات اعصاب و نورون‌ها هرگز در یک مغز یا در مغزی دیگر یکسان نیستند - یعنی دو مغز یکسان وجود ندارد (ابدأ وجود نخواهد داشت).

هر مغزی بی‌نظیر است و در هر لحظه برای اندیشیدن، از محیط اطراف برای خود ظرفیت‌هایی خلق می‌کند.

آیا می‌توانیم هوش خود را رشد دهیم؟

در صورتی که هر مغزی بی‌نظیر است، پس روش‌های کارکردی و آموزشی خودش را هم دارد. هوش در حقیقت چیز ثابتی نیست و پیوسته با استفاده از تجربیات گذشته و حال خود را بازسازی می‌کند. هوش در هر لحظه می‌تواند برای مسائلی که با آن‌ها برخورد می‌کند،